

راهبردهای تقریب ادیان و مذاهب در سیره رضوی با تأکید بر مناظرات و احتجاجات

فاطمه خادمی^۱، عشرت صادقی^۲، ام‌البنین چابکی^۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۱۰

چکیده

این نوشتار راهبردهای امام رضا(ع) را در تقریب ادیان و مذاهب واکاوی کرده است؛ با این هدف که این راهبردها را برای وحدت مذاهب اسلامی در جهان معاصر شناسایی و معرفی کند. امام رضا(ع) همچون دیگر امامان(ع) با برخورداری از بینش قرآنی و با تأسی از سیره نبوی، همواره بر تقریب ادیان و مذاهب در عرصه‌های بیان، نظر و عمل اهتمام می‌ورزیدند. در سیره رضوی، ادیان آسمانی با وجود جلوه‌های متفاوت، ماهیتی واحد دارند و همین ویژگی، همزیستی آن‌ها را امکان‌پذیر کرده است. پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز آن، به روش اسنادی و با مطالعه کتاب‌ها و مقاله‌ها گردآوری شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نگرش امام رضا(ع) به ادیان الهی، در جهت تقریب مذاهب و آشکار ساختن هم‌گرایی آن‌ها بوده است. گفت‌وگوی سازنده با سایر ادیان، تأکید بر آگاهی‌های دینی و انگاره‌های مشترک در ادیان، التزام به اخلاق در روابط انسانی با پیروان دیگر ادیان، تأکید بر اصل توحید و بازنمایی مبانی اعتقاد اسلامی در متون ادیان الهی و ... از جمله راهبردهای آن حضرت بوده است.

واژه‌های کلیدی:

راهبردهای تقریب، ادیان، مذاهب، سیره رضوی، امام رضا(ع)

۱- کارشناس ارشد مدیریت دانشگاه الزهراء(س) fkhademi35@gmail.com

۲- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهراء(س) esh_sa@yahoo.com

۳- استادیار گروه پژوهشی مطالعات اجتماعی و توسعه دانشگاه الزهراء(س) chaboki1@yahoo.com

مقدمه

تقریب مذاهب به معنای همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان و مذاهب با تکیه بر اشتراکات، از ابتدای ظهور اسلام مطرح بوده است؛ چنان که مناظرات، احتجاجات و همسایگی مسلمانان با یهود و نصارا را از صدر اسلام شاهد هستیم. هم‌گرایی و همزیستی مسالمت‌آمیز در میان ادیان، فرق و مذاهب اسلامی امری گریزناپذیر است و موضوعی از سر مصلحت نیست. از این رو باید به آن به عنوان یک ضرورت دایمی نگریست و در جهت تحقق هر چه بیشتر آن تلاش کرد. اصلِ گفت و گوی ادیان، از عصر نبوی شروع شد و در عصر علوی ادامه یافت و سایر ائمه همچون صادقین^(ع) آن را پیش بردند- و اگر عصر رضوی را دورهٔ اوج و ترویج فرهنگِ گفت و گوی ادیان و تقریب مذاهب بدانیم، چندان به بیراهه نرفته‌ایم؛ زیرا در زمان ایشان دست کم دو نوع گفت و گورایج بوده است: گفت و گوی "درون مذهبی" که همان بحث تقریب مذاهب اسلامی را شامل می‌شود و گفت و گوی "برون مذهبی" که معنای امروزی آن، گفت و گوی ادیان است (گنجور، ۱۳۹۰: ۲۲۷). بررسی سیره امام رضا^(ع) با پیروان ادیان مختلف به ویژه سیره ایشان در مناظرات، بیانگر هدایتگری‌های تعاملی، تقریب ساز و راهبردهای وحدت آفرین و هم‌گراست. در این مقاله با بررسی سیره و گفتار آن حضرت به کمک پژوهش‌های انجام شده، به بخشی از این رهنمودها اشاره می‌شود.

پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و از نوع بنیادی است. با توجه به روش پژوهش، جامعه پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع بررسی شده است. اطلاعات مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

مطالعه حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که طبق سنت و سیره رضوی در برخورد با سران و پیروان ادیان الهی، چه راهبردهایی به کار گرفته شده است و از این راهبردها، چه راهکارهایی را برای تقریب مذاهب در دنیای امروز می‌توان استنباط کرد.

مروری بر چند اصطلاح

۱- تقریب

تقریب مصدر وزن تفعیل از قرب به معنای نزدیک شدن، نزدیکی و خلاف بعد است و معنای مصدری آن، نزدیک کردن، نزدیک گردانیدن و نزدیک بودن است (راقب اصفهانی، ۱۳۸۷: ذیل مدخل قرب).

۲- ادیان

ادیان جمع واژه دین و به معنای آیین، کیش، ملت، طریقت و مقابل کفر است (دهخدا، ج ۲۴: ذیل مدخل دین).

ادیان از دیدگاه قرآن:

از میان پیامبران الهی در طول تاریخ که حتی در برخی روایات اسلامی تعدادشان ۱۲۴ هزار نفر ذکر شده است، پنج تن آنان به نام‌های نوح^(ع)، ابراهیم^(ع)، موسی^(ع)، عیسی^(ع) و محمد بن عبدالله^(ص) به گواهی قرآن به عنوان پیشوایان بزرگ دینی- الهی و به اصطلاح «پیامبران اولوالعزم» یا «صاحبان رسالت بزرگ و جهانی» معرفی شده‌اند که دارای کتب آسمانی، برنامه‌ها، شرایع و ادیان مستقل الهی بوده‌اند (ابراهیم‌زاده و علی‌نوری، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۴).

۳- مذاهب

مذاهب جمع مذهب است. اگر کلمه مذهب از ریشه ذهب به معنی رفتن گرفته شده باشد در آن صورت مذهب، اسم مکان است. مذهب، مصدری دانسته شده که به معنی رفتن یا مکانی برای رفتن است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۳۹۳). البته اگر واژه مذهب از ذهب و به معنی گرایش به نظریه‌ای باشد، در آن صورت مذهب مصدر میمی به معنای عقیده، اعتقاد، آیین و سیره است (همان، ۵۲۵).

۴- مناظره

معنای لغوی واژه مناظره، نظیر کسی یا چیزی شدن، یکی را نظیر دیگری گردانیدن، با هم بحث کردن، مجادله و نزاع با همدیگر و بحث با یکدیگر در حقیقت و ماهیت چیزی است (دهخدا، بی تا: ذیل مدخل مناظره). در مناظره طرفین گفت‌گو تلاش می‌کنند با استفاده از مقدمات مسلم و پذیرفته شده از سوی طرف مقابل، به گونه‌ای که نقض آن دشوار باشد، مطلب خود را اثبات و در مواردی نیز برتری و فضیلت خود را بر دیگران ثابت کنند (سپنجی و مؤمن‌دوست، ۱۳۹۰: ۱۲۱-۱۲۲).

۱۲۲). مناظره به عنوان یک ابزار اقناعی در تعاملات میان فردی، فضا و زمینه لازم را برای ارائه و طرح اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مختلف فراهم می‌آورد.

پیشینه پژوهش

مقوله تقریب ادیان و مذاهب در ادبیات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام سابقه طولانی دارد. در آیات قرآن و روایات معتبر، رهنمودهایی در این خصوص برای اجتناب از تفرقه و تحزب وجود دارد و خداوند در آیات قرآن تأکید زیادی بر هم‌گرایی و تقریب بر مبنای اشتراکات دینی و دست شستن از باطل و بازگشت به موضع و طرف حق کرده است (آل عمران، ۶۴، ۱۰۳ و ۱۰۵؛ انفال، ۴۶؛ انبیاء، ۹۲؛ مؤمنون، ۵۲؛ حجرات، ۱۰؛ ممتحنه، ۸ و ۹) (سیاوشی و سلیمانی فر، ۱۳۹۴: ۷۴). با این که بررسی شیوه‌ها و راهبردهای تقریب ادیان و مذاهب در سیره امام رضا^(ع) مطلب جدیدی نیست، اما مقالات تدوین شده در این زمینه انگشت‌شمار است. زهرا شیخوند (۱۳۹۱)، به تبیین نقش امام رضا^(ع) در وحدت اجتماعی و تقریب مذاهب اسلامی پرداخته و تأکید کرده است که هر چند امام رضا^(ع) در آن شرایط حساس از کمترین امکانات برخوردار بوده است، اما از بهترین، درست‌ترین و کامل‌ترین راهبردها و راهکارهای وحدت‌بخش برای تقریب مذاهب اسلامی به عنوان رهبری موفق، در ایفای نقش خویش بهره‌جسته است، به گونه‌ای که مصداق‌های عینی در سیره و کلام رضوی، همراه با سعه‌صدر و هدایت‌گری و موضع‌گیری‌های حکیمانه با هدف تحکیم و اقتدار حاکمیت اسلامی و حفظ یک‌پارچگی و وحدت اجتماعی امت مسلمان به منظور تقریب مذاهب اسلامی، گواه روشنی بر این امر است. معصومه صابری (۱۳۹۱)، در پژوهش خود با عنوان «راهبردهای تقریب مذاهب در سیره امام رضا^(ع)» به بررسی سیره رضوی پرداخته و به این نتیجه دست یافته که راهکارهای تقریبی امام رضا^(ع)، دعوت به اخوت ایمانی، مناظره عقلانی و سازنده، تأکید بر مشارکت در مراسم و مناسک عبادی و اجتماعی، سفارش به برقراری روابط اخلاقی و عاطفی، ترویج خردورزی و آزاد اندیشی و صیانت از یک‌پارچگی دینی حاکمیتی در جامعه اسلامی بوده است. در همین زمینه می‌توان به پژوهش‌های «گونه‌های مقابله با فرقه‌های کج‌اندیش در سیره امام رضا^(ع)» تألیف نهلله غروی نائینی و عبدالله میراحمدی، «روش‌های رویارویی امام رضا^(ع) با پیروان ادیان، فرق و مذاهب اسلامی»، تألیف یحیی میرحسینی و محمود کریمی (۱۳۹۲)، و «سبک‌ارتباطی اخلاقی رضوی در تعامل با پیروان ادیان با تکیه بر مناظرات امام رضا^(ع)» تألیف حبیب‌رضارزانی و حوریه ربانی

اصفهان (۱۳۹۱)، اشاره کرد.

تأملی بر ویژگی‌های شخصیتی و زندگی امام رضا^(ع)

علی بن موسی الرضا^(ع)، هشتمین امام شیعیان و دهمین معصوم، پیامبر (ص) نام وی را به صراحت ذکر فرموده: علی فرزند موسی، فرزند محمد، فرزند علی، فرزند حسین، فرزند علی، فرزند ابوطالب که درود خدا بر همه آنان باد. کنیه اش ابوالحسن (عاملی، ۱۳۷۳: ۶۴). درباره تاریخ تولد امام رضا^(ع) با توجه به آنچه درباره سن و دوران امامتش آورده‌اند، اتفاق نظر وجود ندارد. بعضی از محدثان و نویسندگان از سال‌های ۱۴۸ و ۱۵۱ و ۱۵۳ قمری، در روزهای جمعه یا پنجشنبه در ماه‌های ذی‌العقده یا ذی‌الحجه یا ربیع‌الاول یاد کرده‌اند (کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۱: ۴۸۶؛ نوبختی، ۱۳۵۵ ق: ۸۷). این امام همام که در مدینه زاده شده بودند در سال ۲۰۳ ه. ق در آخر ماه صفر به دست مأمون به شهادت رسید (نوبختی، ۱۳۵۵ ق: ۸۶؛ کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۱: ۴۸۶). ویژگی‌های اخلاقی امام رضا^(ع) به گونه‌ای بود که به ایشان نفوذ کلام می‌بخشید. بر خورد مؤدبانه و محبت‌آمیز، لحن آرام، فصاحت و بلاغت ایشان در سخن گفتن، پرهیز از فخر فروشی (ابن بابویه، ۱۳۹۱، ج ۲: ۲۶۳)، اجتناب از خودرأیی (همان، ج ۲: ۲۰۴)، صداقت و راست‌گویی، آزاداندیشی، سعه‌صدر، احترام به طرف مقابل در مباحث و گوش دادن به آنان بدون آن که صحبت‌شان را قطع کند، حتی اگر موافق عقاید آنان نبود، خودداری از برخورد اهانت‌آمیز (همان، ج ۲: ۲۰۲) و تشویق مردم به علم‌آموزی (همان، ج ۲: ۱۵۵)، تنها برخی از ویژگی‌های اخلاقی آن حضرت به شمار می‌رود. رعایت عدالت و انصاف در گفتار را از طرف آن حضرت می‌توان در مناظره ایشان با عمران صابی دید. هنگامی که عمران صابی برای سؤال پرسیدن از امام اجازه خواست، امام^(ع) فرمود: پپرس، ولی انصاف داشته باش و از سخن باطل و ناحق پپرهیز (همان، ج ۱: ۱۴۴). جعفر بن نعیم بن شاذان درباره ویژگی‌های شخصیتی امام^(ع) روایت کرده است: هرگز ندیدم حضرت رضا^(ع) با کلامی در گفتارش، به کسی جفا و یا درشتی کند؛ و هیچ‌گاه ندیدم سخن کسی را قطع کند، صبر می‌کرد تا طرف، سخنش تمام شود و بعد اگر لازم می‌دید کلامی می‌گفت (همان، ج ۲: ۲۰۲). امام رضا^(ع)، حلم و بردباری، علم و سکوت را از نشانه‌های فقیه دانسته‌اند (همان، ج ۱: ۲۲۹) و همواره مردم را به آن دعوت می‌کردند. در توصیف خضوع ایشان نیز ذکر همین نکته بس که فرمودند: هر کس به مسلمان فقیری طوری سلام کند که با سلام بر ثروتمندان فرق کند، خداوند در قیامت او را

خشمگین ملاقات خواهد کرد (همان، ج ۲: ۲۰۲). روایت دیگری درباره منع ایشان از فخرفروشی وجود دارد که توسط عبدالسلام بن صالح هروی نقل شده است. براساس این روایت امام رضا^(ع) فرمودند: هر کس مطلبی را بیاموزد تا با افراد نادان بحث و جدل کند، یا با علما فخرفروشی کند و جماعتی از مردم را به سوی خود متوجه کند، اهل جهنم است (همان، ج ۱: ۲۶۹). برخورداری از چنین خصایلی به امام^(ع) شخصیتی خارق العاده می بخشید.

گذشته از این ویژگی ها، امام^(ع) به لحاظ پاکیزگی و آراستگی ظاهر به گونه ای نیکو و مناسب در اجتماع حضور پیدا می کردند. معمر بن خلاد از آن حضرت نقل کرده است که شایسته نیست انسان هیچ روز، عطر و بوی خوش را ترک کند، اگر هر روز برایش ممکن نیست، یک روز در میان بزند و اگر این مقدار هم نمی تواند، در هر جمعه عطر بزند و این کار را ترک نکند (همان، ج ۱: ۲۴۶). این ویژگی های انسانی امام رضا^(ع)، سبب گرایش و علاقه مندی مردم به همصحبتی با ایشان از یک سو و نفوذ کلام آن حضرت^(ع)، از سوی دیگر می شد. این شخصیت برجسته در طول مدت امامت شان (۱۸۳-۲۰۳ق) وظیفه هدایت و ارشاد مردم را به عهده داشته و با بهره مندی از نفوذ کلام، مرجع علمی عصر خویش بوده و به واسطه نقش الگویی و مقبولیت فرهنگی و علمی شان به عنوان یکی از امامان معصوم^(ع) در هم گرایی و وحدت آفرینی در میان سایر ادیان مقتدا بوده است. براین اساس، سیره و مرام ایشان، الگوی مناسبی برای طی سلوک در مسیر تقریب ادیان و مذاهب محسوب می شود.

شرایط اجتماعی و سیاسی دوران امام رضا^(ع)

امامان معصوم^(ع)، به دلیل برخورداری از شخصیت نمونه و نفوذ معنوی که بر مردم داشتند، برای خلفا و حکام زمان خود خطر بزرگی به شمار می رفتند. از این رو هر یک به فراخور شرایط زمان خود، به نوعی برای منزوی ساختن این امامان دست به دسیسه و نیرنگ می زدند و یا آنان را به شهادت رساندند. مأمون، از جمله خلفایی بود که با توجه به شرایط علمی حاکم در دوره خود، با هدف زیر سؤال بردن توانمندی علمی امام رضا^(ع) و مخدوش کردن وجهه آن حضرت، در صدد برآمد وی را با علما و زعمای مذاهب مختلف و دانشمندان مشهور در گیر مناظرات علمی و مذهبی سازد. اصولاً خلفا و حکام، برای تحقق اهداف سیاسی خود دست به تشویق علمای عصر خود می زدند و با چنین شیوه ای بسیاری از نقشه های خود را از طریق این دانشمندان عملی می ساختند؛ ضمن آن

که خود را دوستدار علم و عالم نشان می دادند و دانشمندان را زیر سلطه و کنترل خود در می آوردند و هرگاه از ناحیه آن‌ها احساس خطر می کردند، برای رهایی از دست آنان به هر وسیله‌ای متوسل می شدند (عاملی، ۱۳۷۳: ۲۰۴). در دوران زندگی امام رضا^(ع)، نفوذ افکار و آرای گوناگون در جامعه اسلامی، افزایش یافت. در آن عصر گرایش جامعه اسلامی و محافل علمی دینی به بحث و گفت‌وگو، نشان دهنده راهیابی مباحث مختلف فلسفی و کلامی به حوزه محافل اسلامی و همچنین رشد روحیه کاوشگری در میان مسلمانان بود. مهاجرت‌ها و وجود ملیت‌های مختلف در جغرافیای گسترده آن روز سرزمین اسلامی، امام^(ع) را با تکثر فرق، مذهب، فکر و عقیده و بحران فکری ناشی از ورود ملل مختلف به سرزمین اسلام مواجه کرده بود.

از آن‌جا که مأمون دستور به ترجمه کتب فلسفی یونان داده بود، به دلیل اهدای جوایز به مترجمان، بسیاری از دانشمندان متوجه کتب فلسفه یونان شدند و آن‌ها را به زبان عربی ترجمه کردند (ابن ندیم، ۱۳۴۸ ق: ۳۵۳). به همین دلیل شاید بتوان دوره امام رضا^(ع) را دوره ترجمه متون عقلانی و فلسفی یونان به عربی و ورود تفکر فلسفه یونانی به جامعه اسلامی دانست، زیرا فلسفه یونان که بیشتر برگرفته از آرا و نظریات سقراط، افلاطون و ارسطو بود، وارد بحث‌های آزاد میان ادیان و مذاهب شد و محافل علمی اسلامی را دستخوش تحرک در مباحثات علمی کرد. اگرچه برخی معتقدند مأمون برای مقابله با افکار ائمه^(ع) و حمله به مبانی اعتقادی مسلمانان، دست به این کار زد تا سرنوشت اسلام همچون مسیحیت دچار انحراف شود؛ اما به هر حال این تحرک علمی، به شکل‌گیری شرایطی انجامید که به دوره «نهضت ترجمه» شهرت یافت. به این ترتیب اگرچه زمینه مباحثات بین ادیان در جامعه اسلامی، از زمان امام صادق^(ع) رو به گسترش نهاد، ولی در زمان هارون و مأمون عباسی به اوج خود رسید و بحث‌های اعتقادی و کلامی و مناظرات علمی رونقی مضاعف یافت. حضرت رضا^(ع) به سه دلیل اساسی در کانون این مباحثات قرار گرفت:

- ۱- شبیهاتی که فتنه واقفیه درباره امامت حضرت رضا^(ع) مطرح می کرد.
- ۲- هلاکت برامکه، یکی از مهم‌ترین دشمنان اهل بیت^(ع) در دستگاه هارون، که سبب شد فرصت نسبتاً خوبی برای نشر آثار اهل بیت^(ع) فراهم شود.

۲- ولایت عهدی امام رضا^(ع) که نگاه‌ها را متوجه ایشان کرد، به ویژه آن که مأمون عباسی با نیت ناتوان نشان دادن حضرت، مبادرت به برپایی مجالس بحث و مناظره با بزرگان ادیان و علمای مذاهب مختلف می کرد. این محافل نیز آن حضرت را کانون توجه علمی ساخته بود. این مناظرات

فرستی شد تا بین این معارف و مذاهب بحث صورت گیرد و نقاط افتراق آن‌ها مورد ارزیابی طرفین واقع شود. در واقع آن حضرت توانست با بهره‌گیری از موقعیت سیاسی به وجود آمده و فضای به ظاهر باز سیاسی به بیان و انتشار فرهنگ اسلام دست زند.

تقریب در سیره امام رضا^(ع)

امام رضا^(ع) با الهام از سیره امام علی^(ع)، محور فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی‌شان را بر زنده نگه داشتن دین اسلام و حفظ وحدت امت اسلامی قرار دادند. عبدالمتعال استاد دانشگاه الازهر، امام علی بن ابی‌طالب^(ع) را اولین بنیان‌گذار تقریب مذاهب می‌دانند؛ زیرا وی با این که می‌دانست از دیگران به خلافت سزاوارتر است، لیکن با خلفا به مدارا رفتار می‌کرد و از هیچ کمکی به آنان دریغ نمی‌ورزید (رافعی، ۱۴۰۳: ق: ۲۱۰-۲۱۱). امام رضا^(ع) تقریب مذاهب را به معنی پذیرش دیگر مذاهب یا سکوت در مقابل اعتقادات و نظریات آن‌ها نمی‌دانست، بلکه تعامل صحیح و احتجاج براساس نظریات و اعتقادات آن مذاهب را سرلوحه رفتار تقریبی خویش قرار می‌دادند. بنابراین آن حضرت اصحاب خویش را از شتابزدگی در پذیرش یا نفی عقاید سایر مکاتب و مذاهب باز می‌داشتند (صابری، ۱۳۹۱: ۹۳-۹۴). این رویکرد امام^(ع) موضوعی است که امروزه در مقوله گفت‌وگوی ادیان و مذاهب باید به آن توجه شود؛ زیرا شاید عده‌ای تقریب را به منزله تعدیل عقاید تفسیر می‌کنند و رفق و مدارا بین ادیان و مکاتب مختلف را به معنای حذف و کم‌رنگ کردن برخی اصول و نوعی انعطاف می‌دانند. در حالی که در سیره رضوی در عین حفظ و اعتقاد به مبانی و اصول، که در جهت تبیین و تبلیغ دین با رعایت مصلحت اندیشی تعریف شده، در چهارچوب عقل و شرع اقدام می‌شود (فرع شیرازی، ۱۳۹۳).

در واقع الگوی رفتار ارتباطی فرهنگ رضوی با پیروان سایر ادیان، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با آن‌هاست. امام رضا^(ع) در روابط خود با پیروان دیگر ادیان و مکاتب، به این نکته توجه دارند که با ایجاد فضای آرام و مودت‌آمیز، می‌توانند با مخالفان عقیدتی خود به گفت‌وگو و جدال احسن بپردازند. بی‌شک گنجینهٔ احادیث پر بار پیامبر (ص) و ائمه اطهار^(ع) می‌تواند مکمل این الگوی رفتاری باشد، زیرا پیشوایان اسلام پیوسته مسلمانان را به رعایت عدالت و انصاف، ادای حقوق، پرهیز از آزار و اذیت مذاهب توصیه می‌کردند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مَنْ آذَى ذِمِّيًّا فَقَدْ آذَانِي»؛ هر کس به اهل ذمه (مسیحی، یهودی و زرتشتی که در پناه اسلام‌اند) آزار رساند به من آزار

رسانده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۱۲۵).

در ادامه و به منظور تکمیل بحث به اهم شاخص‌ها، شیوه‌ها و راهبردهای آن حضرت در مواجهه با عالمان و صاحبان ادیان و مکاتب مختلف به منظور نیل به تقریب ادیان و مذاهب اشاره می‌شود.

راهبردهای امام رضا^(ع) برای تقریب ادیان و مذاهب

• پذیرش ولایت عهدی عامل تقریب و وحدت

یکی از راهبردهای حضرت رضا^(ع) در ترسیم مسیر اتحاد اسلامی، پذیرش ولایت عهدی مأمون از سوی آن حضرت است. گرچه ایشان با اکراه تمام، این سمت را پذیرفتند که آن هم بی حکمت نبوده است اما آن چه پس از پذیرش ولایت عهدی پیش می‌آید، نشان از درایت و علم لدنی حضرت رضا^(ع) دارد که نه تنها نقشه‌های شوم مأمون را نقش بر آب کرد، بلکه زمینه تأمین امنیت شیعیان و نیز اتحاد مسلمانان را فراهم ساخت. مأمون عباسی با نیت ناتوان نشان دادن حضرت رضا^(ع)، مبادرت به برپایی مجالس بحث و مناظره با بزرگان ادیان و علمای مذاهب مختلف می‌کرد. این محافل نیز به نوبه خود آن حضرت را کانون توجه علمی ساخته بود. این مناظرات فرصتی شد تا نقاط اشتراک و افتراق بین این دانشمندان ادیان و مذاهب مورد بحث و ارزیابی طرفین قرار گیرد. در واقع آن حضرت توانست با بهره‌گیری از موقعیت سیاسی به وجود آمده و فضای به ظاهر باز سیاسی به بیان و انتشار فرهنگ اسلام دست زند. اثبات عظمت علمی امام^(ع) و شکست مأمون و خنثی شدن توطئه‌هایش برای تحقیر امام^(ع) را باید از آثار مثبت سیاست امام^(ع) دانست (فرهمندی، ۱۳۹۲).

آن چه بر اهمیت موضوع گفت‌وگوی ادیان و مذاهب می‌افزاید، شخصیت خاص و ویژه مأمون بود که به عنوان عالم‌ترین و دانش دوست‌ترین خلفای بنی‌عباس معرفی شده است؛ و همو بود که به هر دلیل، کم نظیرترین مجالس مناظره و احتجاج را در مرو تشکیل می‌داد تا دانشمندان آیین‌ها و مذاهب مختلف، دیدگاه‌های خود را بیان کنند و برای اثبات باورهای خود به تلاش پردازند (صفری فروشانی، ۱۳۸۸: ۵۹). امام رضا^(ع) با توجه به موقعیت زمانی و مکانی خاص خود در دوران ولایت عهدی، گامی مؤثر در راستای رفع اختلافات، آشکار ساختن نواقص موجود در ادیان تحریف شده و اثبات حقانیت اسلام برداشت و شاید به جرئت بتوان گفت که ایشان اولین شخصیتی است که باب «گفت‌وگوی ادیان» را به روی جامعه اسلامی باز کرد. نمود بارز این پدیده را می‌توان

در مناظرات امام^(ع) با جاثلیق به نمایندگی از آیین مسیحیت، رأس الجالوت به نمایندگی از دین یهود، هربذ موبد بزرگ به نمایندگی از دین زرتشت، عمران صابی به نمایندگی از صابئان و عده‌ای از علماء و سران برهمن، مشاهده کرد(ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۴ و ۱۹۲؛ طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۰۳-۲۲۱).

• گفت‌وگوی ادیان با یکدیگر از طریق مناظرات و احتجاجات

شرکت در مجالس مناظره با فرقه‌های گوناگون برخی از مهم‌ترین راهبردهای آن حضرت در ترویج فرهنگ اسلامی و علوم قرآنی است که از میان آن‌ها مناظره‌های حضرت از اشتها و تأثیرگذاری ویژه‌ای برخوردار است. سیره علمی ایشان در مناظره‌ها واجد نکات ارزشمندی به لحاظ نوع رفتار و گفتار علمی است. مناظره به عنوان شیوه‌ای کارآمد در بحث، از دیرباز مطرح بوده و اهمیت خود را تا به امروزه حفظ کرده است. امام رضا^(ع)، زمانی به مقابله و مناظره با رؤسای فرقه‌های مختلف درون دینی و برون دینی پرداختند که بیشتر آن‌ها با استفاده از فضای باز ایجاد شده توسط مأمون در حال ثنوریزه کردن عقاید و تبلیغ باورهایشان بودند(میرحسینی و کریمی، ۱۳۹۲: ۹۸). چنین شرایطی موجب گسترش انحراف‌ها، التقاط و عقاید باطل در میان مسلمانان شده بود(درخشه، ۱۳۹۱: ۱۸۹).

بنابراین مناظرات و احتجاجات آن حضرت با غیرمسلمانانی چون عمران صابی، جاثلیق، هربذ، رأس الجالوت، گفت‌وگو و مناظره امام با ابوقره از سران اصحاب احادیث درباره مسائل خداشناسی(کلینی، ۴۲۹، ج ۱: ۳۲۱)، گفت‌وگو با یحیی بن ضحاک سمرقندی درباره امامت(ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۴-۱۷۸) و مناظره دنباله‌دار با سلیمان مروزی درباره توحید(همان، ج ۱: ۱۷۹-۱۹۰)، هریک نشان از استقبال آن حضرت از مناظرات دارد(میرحسینی و کریمی، ۱۳۹۱: ۹۷).

مأمون برای ایجاد شبهه در اذهان مردم درباره احکام و تعالیم دین اسلام و دور کردن آنان از امام رضا^(ع)، مجالس بحث و مناظره برگزار می‌کرد و بزرگان ادیان، دانشمندان، فلاسفه و متکلمان بزرگ را برای مناظره با آن حضرت به این مجالس دعوت می‌کرد. پس از آن که امام^(ع) وارد مرو شدند، فضل بن سهل وزیر مأمون، مأمور ترتیب دادن مناظره‌ای بین امام^(ع) و بزرگان ادیان و دانشمندان شد. فضل بن سهل نیز جاثلیق بزرگ مسیحیان، رأس الجالوت، بزرگ یهود و رؤسای

صابئین ستاره پرستان و هربذ اکبر، بزرگ زردشتیان و فیلسوفان و متکلمان را فرا خواند و در مجلسی گرد آورد. شرح این مناظره که در عیون اخبار الرضا (ابن بابویه، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۳۲-۱۵۳) آمده است، نشان دهنده نیت شوم مأمون از برگزاری این جلسه و پشیمانی از انجام چنین کاری به دلیل موفقیت امام^(ع) در این مناظره است؛ زیرا این مناظرات به جای این که سبب اخلال و اغتشاش فکری و تفرقه جامعه شود، باعث تقویت علمی علمای اسلام و تقریب ادیان شد.

امام رضا^(ع) در برابر پیروان ادیان و مکاتب مختلف برخوردی مسامحه آمیز داشته‌اند که الگوی رفتاری در آداب معاشرت با غیرمسلمانان محسوب می‌شود. شیوه خاص حضرت در گفت‌وگو با سران ادیان و مکاتب مختلف اقتضای می‌کرد ضمن احترام به عقاید، مقدسات و کتب آسمانی، ایشان با زبان منطق و مکتب خودشان آن‌ها را قانع کنند. سلوک حضرت با عالمان مذاهب و سران ادیان به نحوی است که برخی از پیروان این فرقه‌ها به اشتباهات خود در مسائل اعتقادی و کلامی اعتراف می‌کردند، گاهی با امام^(ع) به مباحثه و مناظره می‌پرداختند و ایشان نیز با تساهل و تسامح و به دور از تعصب و سخت‌گیری بحث می‌کردند (ارزانی، ۱۳۹۱: ۴۲). اسامی دقیق مناظره کنندگان در هیچ کتابی ذکر نشده است و نام‌های جاثلیق، هربذ و مانند آن‌ها عنوان مقام‌هایی است که آن‌ها در دین خود داشته‌اند؛ به عنوان مثال جاثلیق مقام سراسقفی مسیحیان در ایران بوده است (صادقیان، ۱۳۸۷: ۶۴-۶۵). اگرچه امام^(ع) مناظرات بسیاری داشته، اما ۷ مورد آن‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است. شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا، مناظرات آن حضرت را آورده است که ۴ مناظره مهم امام^(ع) با سران و پیشوایان سایر ادیان شامل موارد زیر بوده است:

(۱) مناظره با جاثلیق، (رییس اسقف‌ها و پیشوای عیسویان)

(۲) مناظره با رأس الجالوت (لقب دانشمند بزرگ یهودی)

(۳) مناظره با هربذ اکبر (لقب پیشوای بزرگ مذهب زردشتی)

(۴) مناظره با عمران صابی (بزرگ پیروان حضرت یحیی) (ابن بابویه، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۳۲-۱۵۳)

امام رضا^(ع) هرگز سکوت در برابر اعتقادات و نظرات دیگر ادیان و مذاهب را روانمی‌دانست، بلکه تعامل درست و احتجاج بر مبنای نظرات آن‌ها را سرلوحه رفتار خویش برای تقریب مذاهب قرار می‌داد. ویژگی‌های فردی و شخصیت علمی قوی آن حضرت، در مدیریت سبکی خاص (مناظره) در آموزش و ترویج علوم دینی و ایجاد تحرک و شکوفایی در علوم آن عصر، نقش به‌سزایی داشت. بهترین دوره گفت‌وگوی ادیان، دوره امام رضا^(ع) بوده است و به همین دلیل به عالم آل محمد

اشتهار یافتند. تسلط امام^(ع) به ادیان و کتاب‌های آسمانی و نیز علمی مثل فلسفه، کلام، فقه، تفسیر، حدیث، نجوم و طب، به ایشان وجهه علمی منحصر به فردی بخشیده بود؛ به گونه‌ای که کتاب آن حضرت، در امور پزشکی نیز از ویژگی‌های خاصی برخوردار بود و سبب شد که مأمون دستور دهد آن را با طلا بنویسند. از این روی، این کتاب به «رساله ذهبیه» موسوم شد. ایجاد مدرسه علمی امام رضا^(ع) در مدینه، تألیف کتاب‌های اعتقادی و فقهی از دیگر اقدامات آن حضرت در این زمینه بوده است.

• تأکید بر مشترکات ادیان

یک اصل در مناظره وجود دارد و آن این که نمی‌شود با هیچ فردی مناظره کرد مگر این که مشترکاتی بین افراد وجود داشته باشد. به عبارت دیگر هر انسانی حتی اگر بخواهد از دیگری سؤالی داشته باشد، باید یک موضوع مشترک بین آن‌ها وجود داشته باشد و از آن نقاط مشترک برای رفع مجهولات استفاده شود، در واقع باید از مشترکات برای رسیدن به اختلاف‌ها و رفع آن‌ها استفاده کرد. این نکته مستلزم آگاهی دقیق و گسترده دینی به ویژه انگاره‌های مشترک بین ادیان است. وسعت دانش امام رضا^(ع) به ایشان این توانایی را می‌بخشید که در مواجهه با اهل کتاب از طریق استدلال عقلی و براساس مشترکات اعتقادی و دینی به رفع اشکالات و به اثبات حقانیت اسلام پردازد؛ زیرا بدون تعقل نمی‌توان تناقضات بین ادیان را رفع کرد. آن حضرت در گفت و گوها و مناظره‌هایی که با صاحبان ادیان و عالمان مذاهب مختلف داشت، ابتدا بر نقاط مشترک دین اسلام با آن‌ها تأکید می‌ورزید. برای مثال آن حضرت هنگامی که جاثلیق از آن حضرت پرسید: درباره نبوت عیسی و کتابش چه عقیده‌ای داری؟ آیا منکر آن دو هستی؟ پاسخ داد: «من به نبوت عیسی و کتاب او و به آن چه امتش را بدان بشارت داده و حواریون نیز آن را پذیرفته‌اند، ایمان دارم و به هر عیسایی که به نبوت پیامبر اسلام (ص) و کتاب وی ایمان نداشته و امت خود را به او بشارت نداده، کافر» (ابن بابویه، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۳۴). رویه امام رضا^(ع) در مناظراتش این نبود که اعتقادات اسلام یا اعتقاد خود را برای طرف مقابل حق بالقوه فرض کند. در واقع امام رضا^(ع) در مناظرات خود با سران ادیان به دنبال برتری جویی نبود و با استفاده از عنصر عقل و منطق به اثبات حقانیت اعتقادات اسلامی می‌پردازد. ایشان در تمامی مناظرات خود با دادن آزادی بیان به طرف مقابل و محترم شمردن عقاید وی و با تأکید بر نقاط مشترک و مورد پذیرش، به بیان دیدگاه‌ها و نظریه‌های

صحیح می پرداخت و از زوایای مختلف شبهات و سؤال‌های مطرح را پاسخ می داد. یکی از اصول و آداب گفت و گوی هم گرا، داشتن اطلاعات کافی و بصیرت درباره موضوع مورد گفت و گو است. گفت و گو کننده نباید وارد مقوله‌ای شود که از آن آگاهی لازم ندارد (سیاوشی، ۱۳۹۴: ۸۰). آن امام همام در مناظرات خویش با هر گروهی، با استناد به کتاب‌های آن گروه، به مباحثه می پرداخت و آن‌ها را مجاب می کرد. شیوه خاص حضرت در گفت و گو با سران ادیان و مکاتب مختلف، اقتضا می کرد ضمن احترام به عقاید، مقدسات و کتب آسمانی ایشان با منطق و مکتب خودشان آن‌ها را قانع کند. این مطلب از فحوای کلام خود امام^(ع) فهمیده می شود که می فرمودند: «من با اهل تورات به توراتشان، با اهل انجیل به انجیلشان، با موبدان به شیوه پارسی‌شان، با رومیان به روش خودشان و با اهل بحث و گفت و گو به زبان‌های خودشان استدلال می کنم و همه را به تصدیق خود وامی دارم (اربلی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۰۵). بهترین شیوه مباحثه علمی، آن است که بتوان با طرف مقابل به سخنی که خودش باور دارد، استدلال کرد. از همین رو، امام رضا^(ع) با توجه به این که اگر برای غیرمسلمانان و پیروان دیگر ادیان، از قرآن استدلال شود، مورد پذیرش آنان قرار نخواهد گرفت، با آنان با منطق کتاب خودشان استدلال می کرد؛ زیرا طبیعتاً حجیت و حقانیت قرآن برای ایشان اثبات نشده است؛ لذا امام^(ع) در مواجهه با موضوعات انتزاعی مربوط به پیروان اهل کتاب از منابع فقهی آنان استفاده می کرد. برای نمونه در پاسخ به رأس الجالوت فرمود: «تو هیچ دلیلی از من نپذیر، مگر دلیلی که در تورات به زبان موسی بن عمران، در انجیل به زبان عیسی بن مریم و در زبور به زبان داود نقل شده باشد» (ابن بابویه، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۴۰).

گذشته از این‌ها، امام رضا(ع) به همه لغات و زبان‌های مردمان و ملت‌ها آگاهی داشت و هر قومی را به زبان و گویش خودشان راهنمایی و هدایت می کرد و با هر کس به زبان خود او سخن می گفت (ابن بابویه، ۱۳۹۱، ج ۲: ۲۵۸). امری که اثربخشی مناظره را دوچندان می ساخت و موجب شگفتی همگان می شد؛ و امروزه نیز در تئوری‌های ارتباطات، از منظر تأثیرگذاری منبع پیام برگزیده پیام، از اهمیت خاصی برخوردار است. ارتباط بی واسطه زبانی بین طرفین بحث، به دلیل انتقال فراز و فرودهای کلامی و لحن سخن گفتن، انتقال دهنده بار عاطفی نیز خواهد بود که به فهم دقیق‌تر بحث کمک می کند. این تسلط به زبان و علوم مختلف، تأثیری بس شگرف بر طرف مناظره و شاهدان و حاضران در جلسه می گذاشت و حل بسیاری از مسائل و ابهامات را تسهیل می کرد. وجهه علمی امام به حدی بارز و آشکار بود که حتی دشمنان را به اعتراف وامی داشت.

مناظره مشهور امام در بصره با عالمان و سران ادیان و مذاهب، مؤید این مطلب است. شخصی به نام عمرو بن هذاب به امام^(ع) عرض کرد: «محمد بن فضل مدعی است که شما به آن چه خدا نازل کرده است عالم هستید و با هر لغت و زبانی آشنا هستید؟ امام^(ع) فرمودند: او راست گفته است، می توانید امتحان کنید. عمرو بن هذاب گفت قبل از هر چیز درباره آشنایی با زبان ها و لغات مختلف تو را می آزمایم، ما افرادی از زبان های مختلف رومی، هندی، فارسی و ترکی در این جا حاضر داریم تا با شما در این باره سخن بگویند. امام^(ع) فرمودند: هر چه دوست دارند به زبان خود بپرسند، ان شاء الله پاسخ خواهیم داد. به دنبال اعلام آمادگی حضرت، هر یک از افراد مسئله ای به زبان خود پرسیدند و حضرت نیز به زبان آنان به تمام مسائل پاسخ داد، به طوری که مایه تعجب و حیرت مردم گردید و همه آنان اعتراف کردند که حضرت نسبت به زبان آنان از خودشان آشناتر است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۷۳-۷۹).

• بازنمایی مبانی اعتقاد اسلامی در ادیان الهی

اولین و اساسی ترین زمینه از زمینه های وحدت و یگانگی بین انسان ها، توجه به اصل توحید و یگانه پرستی آن هاست. خداوند متعال در موارد مختلف و فراوانی افراد بشر را به وحدت و یکرنگی دعوت کرده است و آیات قرآن به اشکال و صورت گوناگون این دعوت را بیان می کند (بقره، ۱۳۸؛ آل عمران، ۶۴-۸۴؛ کهف، ۱۴؛ انبیاء، ۹۲). ادیان الهی در اصل دیانت که همان "اسلام" باشد اشتراک دارند و تفاوت آن ها تنها در مذاهب و شرایع امت هاست؛ زیرا اصل دین که مسئله توحید، وحی، رسالت، عصمت، امامت، عدالت برزخ، قیامت، سرای آخرت و مفاهیمی از این نوع است، همان خطوط کلی است که انسان بر اساس فطرت و سرشت انسانی- الهی اش در هر زمان و مکان و با هر نژاد و قومیتی، خواهان آن است؛ اما دستورهای جزئی و فروع عملی متناسب با ابعاد طبیعی و مادی آدمی و خصوصیات فردی و قومی افراد به مقتضای زمان ها و مکان های گوناگون تغییر می یابد. این فروع جزئی که دلیل پیدایش شرایع گوناگون است نه تنها موجب کثرت در اصل دین نیست، بلکه نتیجه همان فطرت ثابت و واحد است (ابراهیم زاده، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۸).

پیروان ادیان و مذاهب مختلف در جهان دارای مشترکات، نقاط هم گرا و در رأس همه خدای واحد هستند و با تکیه بر مشترکات دینی، مذهبی و انسانی خویش، می توانند تقریب مذاهب یا وحدت پیروان ادیان را ایجاد کنند. از نگاه امام رضا^(ع) به دلیل همسانی ماهوی ادیان و قول به توحید

در معنای عام، تفاوتی میان ادیان نیست؛ و این اصل پیش شرط مفروض در آرای برجای مانده از ادیان بدون تحریف و راستین بوده است. در سیره عملی امام رضا^(ع) آمده است که در زمان مناظرات با صاحبان ادیان و مکاتب مختلف هنگامی که زمان نماز فرا می‌رسید و در مقاطع حساس آن جلسات که مخاطبان در آستانه اقناع قرار گرفته بودند به محض بلند شدن ندای مؤذن، امام رضا^(ع) جلسه را ترک می‌کردند و خطاب به مأمون می‌فرمودند: «الصلاه قد حضرت» یعنی زمان نماز فرا رسیده است. در مناظره با عمران صابی در حالی که زمینه برای پذیرش در عمران آماده شده بود، امام^(ع) از ادامه مناظره خودداری کردند و برای اقامه نماز آماده شدند. عمران از بیم آن که مناظره بین او و امام^(ع) از سر گرفته نشود، اظهار کرد: آقای من رشته گفت‌گو را قطع نکن؛ زیرا قلب من با تو سازگار است (و برای پذیرش کلامتان نرم شده‌ام). امام^(ع) به او وعده دادند که مناظره را بعد از نماز پی می‌گیرد (ابن بابویه، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۴۷). طبیعی است که این رفتار، موجب جلب توجه دیگران برای انجام فریضه نماز اول وقت می‌شد و در ذهن مردم تأثیری دو چندان می‌گذاشت. در آن زمان امام رضا^(ع) به عنوان رهبر و امام شیعیان، مسئولیت اصلی تبلیغ تشیع و در عین حال تقریب مذاهب و ادیان را بر عهده داشت. امام رضا^(ع) در زمینه‌های مختلفی مانند مشورت‌دهی به مأمون در زمان ولایت عهدی، مراودات و محاورات عادی با مردم و... این تبلیغ و تقریب را انجام می‌دادند. به طور مثال تأکید و دعوت امام^(ع) از مردم برای شرکت در نماز جمعه و عیدین از هر گروه و مذهب به صورت طبقات مختلف و تأکید بر شرکت در نماز جماعت و اهمیت جایگاه آن و حتی ترجیح آن بر فضیلت نماز اول وقت خود به عنوان جلوه‌های وحدت آفرین رضوی در اجتماع است (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۱۷). در جایی دیگر امام رضا^(ع) در پاسخ به پرسش یکی از اصحاب که عرض کرد: وقتی در جامعه‌ای هستیم که افراد مسلک و عقیده‌شان مثل ما نیست، چه گونه رفتار و برخورد کنیم؟ امام در جواب به فرمایش امام صادق^(ع) استناد کردند و فرمودند: «به امامان خویش که خود را پیرو آنان می‌دانید، نگاه کنید، همان گونه که آنان رفتار می‌کنند، عمل کنید. به خدا سوگند آنان از مریض‌شان عیادت کرده و بر جنازه‌شان حاضر می‌گردند و در میان آنان به عنوان شاهد حاضر می‌شوند و امانت‌شان را به آنان باز می‌گردانند» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲: ۶۳۶).

• استناد به قرآن و سنت اهل بیت^(ع)

امام رضا^(ع) در مواجهه با موضوعات مربوط به اهل کتاب، همچون برخی پرسش‌های فقهی،

مباحث تفسیری و ... از مستندات اسلامی، مانند قرآن و سنت اهل بیت^(ع) بهره می برد. یکی از اصلی ترین ابزارهای گزینش سبک برخورد آن حضرت، آیات الهی قرآن کریم است. وی به عنوان یکی از مصادیق ثقل ثانی در بیشتر سخنان، توجهی ویژه به ثقل اول (آیات قرآن) داشته است. برخی نمونه های روایی بسیار حائز اهمیت و راه گشایند. در روایتی که متن آن را ابن بابویه در "عیون اخبار الرضا" آورده است، امام^(ع) به روایتی از امام صادق^(ع) اشاره می کند که در آن درباره خطاکاران مسلمان و غیرمسلمان پرسیده می شود و آن حضرت با استناد به آیه ۱۲۳ سوره النساء: «لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِيَّ أَهْلُ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ...؛ کار به آمال شما و آرزوی اهل کتاب سامان نگیرد، هر آن که کار بد کند، کیفر آن را خواهد دید...» عملاً چنین بیان داشته است که میان شما و اهل کتاب تفاوتی وجود ندارد و هر که خطا کند جزایش را خواهد دید (ابن بابویه، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۶۰). براساس مهم ترین متن برجای مانده از مناظرات امام رضا^(ع) با اصحاب ادیان و فرقه ها، به سادگی می توان درک کاملی از چیستی ابزار آن حضرت در محاجه با آنان به دست آورد؛ اگرچه وجود برخی روایات پراکنده از آن امام^(ع) نیز که در منابع مختلف درج شده است، برای دست یابی به این شاخصه کمک رسان خواهد بود. امام^(ع) در روایاتی کلامی با ایشان، با رویکردی عقل گرایانه به اجتماع مقابل، و پذیرش وجود سطوح متفاوت از اندیشه و لایه های اعتقادی، براساس حدیث نبوی مبنی بر بیان معارف الهی در سطح و اندازه درک و توان برداشت مخاطب با بزرگان اهل کتاب به مناظره پرداخت (برقی، ۱۳۳۱، ج ۱: ۱۹۵؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۳ و ج ۸: ۲۶۸). نمونه قابل التفات از این شیوه و رویکرد عملی حضرت، پاسخ ایشان به فردی یهودی است که در مدینه و در حضور فضل بن سهل، از آن حضرت درباره تقدم و تأخر روز و شب سؤال می کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۴: ۲۲۶). نخستین سخن امام رضا^(ع) با او بسیار کلیدی و قابل ملاحظه است؛ ایشان از او می پرسند که پاسخ تو را براساس قرآن بیان دارم یا بر پایه علم حساب (همان).

• التزام به اخلاق انسانی (احترام و مهرورزی)

اخلاق به عنوان بخش ناگسستنی دین، هرگاه کمرنگ یا نادیده گرفته شود، به اصل دین آسیب می رسد. به همین دلیل اسلام اخلاق را در متن باورهای دینی وارد کرده است؛ به گونه ای که فضایل اخلاقی در تمام واجبات و رذایل اخلاقی در تمام محرمات نهفته است و اسلام همه مسائل زندگی را در پیوند مستحکمی با اخلاق در نظر گرفته است (نواب، ۱۳۹۳). در بیان اهمیت قائل شدن

اسلام برای اخلاق، همین بس که در ستایش پیامبر اسلام(ص) از میان تمام صفات و ویژگی‌های حضرت، اخلاق نیک ایشان را یادآور می‌شود و می‌فرماید: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۴) و مهم‌ترین هدف بعثت پیامبر اکرم(ص) تربیت اخلاقی انسان‌ها بیان شده است، چنان‌که حضرت فرمودند: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ همانا من برای تکمیل ارزش‌های اخلاقی مبعوث گردیده‌ام» (متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۱۶). امام رضا^(ع) همچون جد بزرگوارش در اخلاق، نمونه و الگو بوده، در زندگی فردی و اجتماعی، خُلق والای پیامبر(ص) را حکایت می‌کرد. توصیه‌های فراوان امام رضا^(ع) و بیان شیوه‌های تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز را می‌توان در راستای وحدت اجتماعی و تقریب مذاهب دانست.

رفتار و برخورد امام رضا^(ع) با پیروان ادیان و فرقی مختلف، عادلانه و عاقلانه و به دور از ظلم و تبعیض و مبتنی بر انصاف و انسانیت و مهرورزی بود. امام رضا^(ع) اظهار دوستی و محبت به همه مردم و مهرورزی نسبت به آن‌ها را از عقل و خردورزی می‌دانست: «التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۶۴۳) به عنوان مثال، یاسر خدمتگزار امام^(ع) می‌گوید: «از نیشابور نامه‌ای به مأمون رسید به این مضمون که مردی مجوسی هنگام مرگ وصیت کرده ثروت زیادی را که از او باقی مانده میان فقرا و بینوایان تقسیم کنند. قاضی نیشابوری آن اموال را میان مسلمانان تقسیم کرده است. مأمون به امام رضا^(ع) عرض کرد: ای سرور من در این موضوع چه می‌فرماید؟ امام^(ع) فرمودند: «مجوسی به فقرا مسلمین صدقه نمی‌دهد، به قاضی بنویسید که آن مقدار که از مال مجوسی به مسلمین صدقه داده است از بیت‌المال بردارد و به فقرا مجوس صدقه دهد» (ابن بابویه، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۹۳).

بعد دیگری از الگوی رفتار رضوی را باید در اخلاق و آداب مناظرات حضرت با سران ادیان و مذاهب، بررسی کرد. با تأمل در نوع بیان و ادبیات گفت‌وگوهای امام رضا^(ع) می‌توان دریافت که مذاکرات ایشان با سایر ادیان، فاقد هرگونه خودرأیی و چیره‌طلبی بود و با مناظرات متداول که به قصد تحقیر و اسکات خصم صورت می‌گرفت کاملاً تفاوت داشت. روش حضرت، بیان روشن‌گرانه معارف الهی و آزاد گذاشتن طرف مقابل در پذیرش یا عدم پذیرش و نه تحمیل عقیده شخصی است (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۷۸-۱۸۶؛ ابن بابویه، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۷۹-۱۹۰). بنابراین الگوی رفتار ارتباطی با دیگر ادیان در سیره رضوی، مبتنی بر اخلاق و بردباری و شناختن حق مخالفان است. بنابراین عنصر اخلاق یکی از عرصه‌های مشترک بین همه ادیان و مذاهب و قابل تأمل در کار

تقریب است.

صرف نظر از حیطة عقاید، در مقام عمل، پیروان سایر ادیان می‌توانند با هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته و رابطه خود را بر اساس ارزش‌های انسانی و احترام متقابل، تنظیم کنند؛ «سنت همه حق جویان عالم اعم از دانشمندان و فیلسوفان و طرفداران ادیان و انبیا و همه خداپرستان و حق جویان این بوده که با کسانی که اختلاف داشتند روابط انسانی و محترمانه برقرار کنند و با حفظ کرامت و احترام طرف مقابل به بحث و گفت‌وگو بپردازند» (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۸). به طور کلی بر اساس تعالیم اسلام، باید در قبال همه انسان‌ها حتی کسانی که به نظر ما، اهل نجات و رستگاری نیستند، احساس احترام و تسامح داشته باشیم (لگنهاوزن، ۱۳۷۹: ۳۵). رعایت حقوق طبیعی انسان‌ها، وظیفه‌ای دینی در آموزه‌های اسلامی است. بهترین بیان در این مقام را در دستور نامه حکومتی حضرت علی^(ع) به مالک اشتر می‌توان دید که پیروان ادیان غیر اسلام نیز هم‌نوع و سزاوار احترام و محبت قلمداد می‌شوند: «... وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارًّا يَأْتَعْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخَّ لَكَ فِي الدِّينِ، أَوْ نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ «(ای مالک!) محبت و رزیدن و لطف به رعیت را پوشش دل خود قرار ده، و با آنان چونان حیوان درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری. زیرا رعیت دو دسته‌اند: یا برادر ایمانی تو (و مسلمان) هستند، و یا نظیر تو در آفرینش (غیر مسلمان و پیرو سایر ادیان و مذاهبند که در این صورت، انسان و هم‌نوع تو‌اند.)» یکی دیگر از شاخص‌ها در راستای وحدت اجتماعی و تقریب مذاهب با پیروان سایر ادیان و مذاهب در فرهنگ رضوی رفق و مدارا و «تسامح دینی» است. امام^(ع) با پیروان ادیان و فرق مختلف، برخوردی مسامحه‌آمیز داشت که یک الگوی رفتاری در آداب معاشرت با غیرمسلمانان به شمار می‌آید. سلوک حضرت با عالمان مذاهب و سران ادیان به نحوی است که برخی از پیروان این فرق، به اشتباهات خود در مسائل اعتقادی و کلامی، اعتراف و گاهی با امام^(ع) مباحثه می‌کردند و ایشان نیز با تساهل و تسامح و به دور از تعصب و سختگیری، به بحث می‌پرداختند. امام^(ع) نه تنها با عالمان و خواص ادیان برخورد درست و شایسته‌ای داشتند، بلکه نسبت به عوام و توده این فرقه‌ها نیز با رفق و مدارا رفتار می‌کردند (گنجور، ۱۳۹۰: ۲۴۱-۲۴۲).

همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان سایر ادیان در فرهنگ رضوی یکی دیگر از راهبردهاست. از مطالعه احادیث و روایات چنین برمی‌آید که زندگی آرام و صلح‌آمیز و ایجاد رابطه محبت و

مودّت با بیگانگان امری است که مسلمانان در روابط خود می‌توانند از آن الگو و بهره گیرند. چه را که اسلام، آیین فطرت است و هرگز با احساسات طبیعی و انسانی بشر، ضدّیت ندارد (کریمی‌نیا، ۱۳۸۳: ۲۷۴). امام رضا^(ع) در روابط خود با پیروان دیگر ادیان و مکاتب، به این نکته توجه دارد که با ایجاد جوّ آرام و مودّت‌آمیز می‌تواند با مخالفان عقیدتی خود، به گفت‌وگو و جدال احسن بپردازد. بی‌شک، گنجینهٔ احادیث پر بار پیامبر (ص) و ائمهٔ اطهار^(ع) می‌تواند مکمل این الگوی رفتاری باشد. دربارهٔ سیره عملی حضرت رضا^(ع) نیز باید گفت که امام با اتصال به منبع معرفتی وحی و با اتکا به سنت و سیره پیامبر (ص) و ائمه^(ع) که خود الگو و نمونه عملی برای جامعه اسلامی به شمار می‌روند با رفتار دوستانه و مسالمت‌آمیز خود با مخالفان غیرمسلمان، در واقع شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان و مذاهب را متمم و تکمیل کرد. چنان‌که این رهیافت در سیرهٔ عملی و مناظرات علمی حضرت با سران و پیروان ادیان و مکاتب عصر، کاملاً مشهود است (ابن بابویه، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۳۲-۱۵۳).

مناظره که امروزه در مباحث علمی و تبلیغی نقش زیادی دارد، در روش اهل بیت^(ع) دارای جایگاه روشنی است. امام رضا^(ع) در مناظرات خود با گروه‌های مختلف، اهدافی را دنبال می‌کردند و برای رسیدن به آن هدف‌ها همواره اصولی را به کار می‌بستند. از جمله اهداف امام رضا^(ع) در مناظرات، رساندن مخاطب به فهمی روشن از موضوع بود به گونه‌ای که افراد به شکل آگاهانه‌تری به مباحث نگاه کنند و به یک فهم انتقادی برسند. به این ترتیب امام^(ع) از تقای خودآگاهی فرد شرکت کننده را با راهکارهای ظریفی انجام می‌داد. آن امام همام برای تأثیر هر چه بیشتر سخن در طرف مناظره خود و رسیدن به درک هم‌دلانه با او، همواره مطالب را نرم، ملایم و توأم با ادب و جنبه‌های سازنده و تربیتی و در قالبی موزون ادا و از معانی و مفاهیم تند، رنج‌آور و ناراحت کننده خودداری می‌کردند (همان). در فرآیند مناظره‌ها دعوت امام^(ع) از دیگران برای شروع مناظره مشهود بود. این شیوه رفتاری امام موجب می‌شد که طرف مقابل بدون هیچ‌واهمه‌ای سؤال کند. از جمله در مناظره امام^(ع) با عمران صابی، ایشان فرمودند: «اگر در بین شما کسی مخالف اسلام هست و می‌خواهد سؤال کند، بدون اینکه غضبناک شود سؤال کند» (همان: ۱۴۴).

نتیجه‌گیری

اگرچه تعامل مسلمانان و اهل کتاب در سرزمین‌های اسلامی به عنوان امری محتوم، به هر روی شکلی از زندگی مسالمت‌آمیز را براساس شرع اسلام ترسیم کرده بود اما در محافل علمی و کلامی، موضوع قدری متفاوت بود. در چنین میدانی، شخصیت و شیوه عملکرد امام^(ع)، به مثابه شاخص ارتباط دینی-علمی با پیروان ادیان و شیوه نگرش ایشان نسبت به دیگر ادیان شایان التفات فراوان است. شاید به سبب همین ارتباط حداکثری با اندیشه و آرای اهل ادیان دیگر بوده است که امام رضا^(ع) نسبت به دیگر امامان بزرگوار شیعه، بیشتر در مواجهه با این مسائل قرار داشته است؛ به ویژه این که بخشی از تاریخ زندگی آن حضرت در خراسان سپری شده که به راستی، دست کم در آن زمان، شاهراه تعامل آراء ادیان و مذاهب و فرق گوناگون بوده است. در میان راهبردهای مختلف، جایگاه ولایت عهدی آن امام همام و همزمان با آن تواضع و وسعت آگاهی و رفتار علمی آن حضرت با پیروان ادیان دیگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تأکید ایشان بر اخلاق انسانی، اصل وحدت ادیان الهی، استناد به قرآن و سنت، بازنمایی اعتقادات اسلامی در متون ادیان دیگر و طرح مشترکات دینی، از راه‌های مختلف و به ویژه از طریق مناظره، از مهم‌ترین راهبردهای تقریب در سیره رضوی است. بررسی انبوهی از روایات آن حضرت درباره مسائل اهل کتاب و نیز مناظره تاریخی ایشان با بزرگان ادیان مختلف، بیانگر رویکرد رضوی درباره با این مباحث است. سیره ارتباطی حضرت رضا^(ع) با پیروان سایر ادیان، بیانگر آن است که شناخت جهان و حقایق عالم، در گرو فهم فرهنگ‌های جهانی است؛ بنابراین لازمه گفت‌وگوی سنت‌های دینی و توفیق در رفتار ارتباطی با نوع بشر، وسعت شناخت فرهنگ‌ها و ادیان مختلف است. بر این اساس، بررسی و تحلیل احتجاجات و مناظرات امام رضا^(ع) با بزرگان ادیان و سایر مکاتب، راهکار و رهنمودی بسیار مفید است؛ زیرا از این راه، روش‌های آن حضرت در گفت‌وگو با دیگران، در اختیار همگان قرار می‌گیرد و الگوسازی می‌شود. ایشان با تبیین اندیشه وحدت ادیان الهی، ضمن تثبیت خاتمیت دین اسلام، بر آن است تا بر مبنای آموزه‌های اسلامی، امکان تعاملی احترام‌آمیز در لایه‌ها و سطوح دینی جامعه را نمودی مصداقی و عینی دهد. بنابراین نتایج این پژوهش را می‌توان در چند نکته جمع‌بندی و خلاصه کرد:

- اندیشه، نگرش و سیره علمی امام رضا^(ع) بر اهتمام جدی و اثرگذار بر مسئله وحدت و تقریب بین ادیان با تأکید بر آن است؛ یعنی حقیقت و گوهر تمام ادیان نزد ایشان یکی است.

- در فرهنگ رضوی، همزیستی مسالمت آمیز و مناسبات انسانی با پیروان سایر ادیان، مسلّم و مورد پذیرش است. اتخاذ روش عقلانی و منطقی در برخورد با مخالفان سرسخت، از آنان دوستان وفادار می سازد.

- الگوگیری از شیوه تقریب ساز امام رضا^(ع) و بررسی مباحثات و مناظرات آن حضرت با صاحبان و سران ادیان الهی، موجب انسجام و یکرنگی هر چه بیشتر در میان آنان می شود.

- در دنیای امروز که جنگ ادیان در قالب نظریه «برخورد تمدن ها»، در مباحث به اصطلاح علمی و آکادمیک جایگاه خاصی یافته است، به نظر می رسد تلاش در راستای ایجاد زمینه های تعامل و گفتگوی ادیان به منظور کم کردن فاصله های موجود بین آن ها، تألیف قلوب پیروان ادیان الهی و یک سو کردن حرکت انسان ها برای نیل به کمال، از اهمیت و ضرورت انکارناپذیری برخوردار باشد.

منابع

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه (۱۳۲۶)، ترجمه فیض الاسلام، تهران: فیض الاسلام.

- ابراهیم زاده، عبدالله و علی نوری، علیرضا (۱۳۸۳)، ادیان الهی و فرق اسلامی، ج ۱، قم:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پژوهشکده تحقیقات اسلام.

- ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی (معروف به شیخ صدوق) (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه،

قم: جامعه مدرسین.

----- (۱۳۹۱)، عیون اخبار الرضا^(ع)، ترجمه محمد رحمتی شهرضا، قم: پیام

علمدار.

----- (۱۳۷۸)، عیون اخبار الرضا^(ع)، تهران: جهان.

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، ج ۱، قم: ادب الحوزه.

- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۸ق)، الفهرست، قاهره: المكتبة التجارية الكبرى.

- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۶۴)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، با مقدمه ابوالحسن شعرانی،

ج ۳، قم: ادب الحوزه.

- ارزانی، حبیب رضا و اصفهانی، حوریه (تابستان ۱۳۹۱)، سبک ارتباطی اخلاقی رضوی در

تعامل با پیروان ادیان با تکیه بر مناظرات امام^(ع)، فصلنامه علمی - ترویجی اخلاق، دوره ۲،

شماره ۶، صص: ۳۹-۶۶.

- برقی، احمد بن محمد (۱۳۳۱)، المحاسن، به کوشش جلال الدین محدث، تهران.

- حکیمی، محمد رضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۸۰)، الحیاه، مترجم احمد آرام،

ج ۱، تهران.

- درخشه، جلال و حسینی فائق، سید محمد مهدی (۱۳۹۱)، سیاست و حکومت در سیره

امام رضا^(ع)، تهران: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا^(ع).

- دهخدا، علی اکبر (بی تا)، لغت نامه، ج ۲۴ و ۴۶، تهران: سیروس.

- رافعی، مصطفی (۱۴۰۳ق)، اسلامنا فی التوفیق بین السنه و الشیعه، بیروت: مؤسسه

الاعلمی للمطبوعات.

- راغب اصفهانی (۱۳۸۷)، حسین بن محمد، المفردات الفاظ القرآن، ترجمه حسین

خداپرست، قم: نویداسلام.

- سپنجی، امیر عبدالرضا و مؤمن دوست، نفیسه (۱۳۹۰)، «اقتناع و تغییر نگرش، جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم^(ع)؛ مروری بر مناظرات مکتوب حضرت امام رضا^(ع)»، **دو فصلنامه علمی - پژوهشی دین و ارتباطات**، سال ۱۸، شماره ۲ (۴۰)، صص: ۱۱۷-۱۴۴.

- سیاوشی، کرم و سلیمانی فر، ندا (بهار ۱۳۹۴)، «راهکارهای تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا^(ع)»، **فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)**، سال دهم، شماره ۳۹، صص: ۷۳-۸۴.

- شیخوند، زهرا (۱۳۹۱)، «نقش امام رضا^(ع) در وحدت اجتماعی و تقریب مذاهب اسلامی»، **مجموعه مقالات جشنواره بین المللی امام رضا^(ع)**، امید مهر.

- صابری، معصومه (۱۳۹۱)، «راهبردهای تقریب مذاهب در سیره امام رضا^(ع)»، **مجموعه مقالات جشنواره بین المللی امام رضا^(ع)**، امید مهر.

- صادقیان، محمد (بهار ۱۳۸۷)، «نگاهی به شیوه مناظره امام رضا^(ع)»، **فصلنامه علمی - ترویجی مشکوه**، شماره ۱۰۲، صص: ۷۶-۶۰.

- صفری فروشانی، نعمت اله (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر قیام‌های علویان در دوران امام رضا^(ع)»، **فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی**، سال هفتم، شماره ۲۶، صص: ۵۷-۷۶.

- طبرسی، ابن منصور احمد بن علی (۱۳۸۶ق)، **الاحتجاج**، ج ۲، نجف: النعمان للطباعة و النشر.

- عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۷۳)، **زندگی سیاسی هشتمین امام^(ع)**، ترجمه سید خلیل خلیلیان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- غروی نائینی، نهله و میراحمدی سلوکروئی، عبدالله (پاییز ۱۳۸۷)، گونه‌های مقابله با فرقه‌های کج‌اندیش در سیره امام رضا^(ع)، **فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی**، سال ششم، شماره ۲۳، صص: ۶۵-۱۰۴.

- فرع شیرازی، سید مصطفی (آذر ۱۳۹۳)، **تبیین ارتباط با ادیان و مذاهب در سیره رضوی**، www.kemb.ir.

- فرهمندی، علیرضا (شهریور ۱۳۹۲)، **وحدت اسلامی در کلام امام رضا^(ع)**، www.yamoeinazzoafa.blogfa.com.

- کریمی نیا، محمد مهدی (۱۳۸۳)، **همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل**، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ق)، **اصول کافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- (۴۲۹ق)، **اصول کافی**، قم: دارالحدیث.
- (۱۳۸۸ق)، **اصول کافی**، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران.
- گنجور، مهدی و بیدهدی، محمد (تابستان ۱۳۹۰)، «امام رضا^(ع) و الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان و مذاهب: مسئله پلورالیسم دینی «هنجاری» در فرهنگ رضوی»، **فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی**، سال نهم، شماره ۳۴، صص: ۲۱۵-۲۵۰.
- لگنهاوزن، محمد (۱۳۷۹)، **اسلام و کثرت‌گرایی دینی**، ترجمه نرجس جواندل، تهران: طه.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹ق)، **کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال**، (تحقیق شیخ بکری حیانی و شیخ صفوة السقا)، بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الانوار**، ج ۴۹، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مصباح یزدی، محمدتقی (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸)، «گفت‌وگو در باب گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها»، **فصلنامه کتاب نقد**، شماره ۹ و ۱۰، صص: ۲-۴۵.
- میرحسینی، یحیی و کریمی، محمود (پاییز ۱۳۹۲)، «روش‌های رویارویی امام رضا^(ع) با پیروان ادیان، فرق و مذاهب اسلامی»، **فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، شماره ۲۳، صص: ۹۵-۱۱۴.
- کریمی، محمود و میرحسینی، یحیی (۱۳۹۳)، «گونه‌شناسی روش‌های مقابله با ادیان و مذاهب در سیره امام رضا^(ع)»، **مجموعه مقالات همایش علمی - پژوهشی امام رضا^(ع): ادیان، مذاهب و فرق**، تهران: www.tarikh.imam.miu.ac.ir.
- نواب، ابوالحسن و علی اکبری، راضیه (دی ۱۳۹۳)، **بررسی موانع تحقق و تحکیم وحدت امت اسلامی**، بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی: www.taghrib.org.
- نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۵۵ق)، **فرق الشیعه**، به کوشش محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: مکتبه مرتضویه.